



فراموش کرده بود. زد و از روی استبعاد گفت این استخوانهای پوسیده را که زنده می کند؟ بگو آن خدائی که به آنها از آغاز حیات بخشیده آنها را مجدداً زنده می کند و او بهر خلقت دانا است.

یعنی: امکان و تحقق این موضوع به قدرت و علم خداوند بستگی دارد:

ذرات بدن و تکه های استخوانهای پوسیده بدن انسانها در هر جا که باشد و هر اندازه که زیر پوشش زمانهای طولانی قرار گرفته باشد در علم خداوند محفوظ است و از طرفی آن خداوندی که با قدرت خود در آغاز به آن حیات بخشیده است و آنرا در مسیر نطقه و علقه و مضغه و دوران جنین بودن پیش آورده است قدرت آن را دارد که مجدداً آنرا زنده کند. بنابراین این استبعاد، بیجا و بی اساس است.

ب-

«إِنخَسِبَ الْإِنْسَانُ الَّذِي تَجَمَّعَ عِظَامُهُ بَلِيٌّ فَأَدْرَيْنَ عَلِيٌّ أَنْ نُسَوِّئَ بَنَاتَهُ»^۲.

آیا انسان چنین گمان می کند که ما در روز قیامت استخوانهای او را جمع نمی کنیم؟ بلی ما قدرت داریم که سرانگشتان او را هم. مانند اولاد درست کنیم.

در اینجا باید دانست که مسأله خطوط سرانگشتان مسأله جالی است.

اگر دقت کنید در داخل سرانگشتان دستها خطوط بسیار ریز را با شکلهای منظم و جالب می بینید شکل و خصوصیات این خطوط با مسائل دقیق علمی که امروز معمول گردیده است بهتر روشن می شود.

بر اساس تجارب دانشمندانی که در این قسمت مطالعه کرده و تجارب فراوانی بدست آورده اند یکی از مظاهر امتیاز اشخاص نسبت بهم همین خطوط است که مورد انگشت نگاری نیز قرار می گیرد با اینکه همه افراد در سرانگشتهای دستهای خود این خطوط را اساساً دارند ولی در شکل و خصوصیات همه با هم فرق دارند بطوریکه دو نفر را نمی توان در سطح کرة زمین پیدا کرد که از لحاظ خطوط سرانگشتانشان با هم مساوی و مشابه باشند.

ممکن است دو نفر انسان در قد و قامت و سیما و صدا با هم مشابه باشند ولی در خطوط سرانگشتانشان هرگز با هم مشابه نیستند.

می دانیم امروزی یکی از راههای شناخت اشخاص با همین موضوع انگشت نگاری ارتباط پیدا می کند که با مسائل علمی تصویری از این خطوط را بر می دارند و

اصول اعتقادی اسلام

«معاد»

قسمت نوزدهم

معاد

جسمانی

آیت الله حسین توری

اینجا همه بطور سریع و روشن این مطلب را اثبات می کنند که معاد روز قیامت تنها روحانی نیست و محشور شوندگان دارای جسم نیز می باشد و در مقاله گذشته به شرح قسمتی از آنها پرداختیم.

۲- آیاتی که می گویند این بدنها با این اعضا و اندام از ذرات بدن دنیوی ساخته شده است و بعبارت دیگر این پیکرها که در صحنه قیامت حضور یافته است عیناً همان پیکرهائی است که در دنیا وجود داشت. و هم اکنون آن بدنهای دنیوی پس از پوسیدن و متلاشی شدن مجدداً ساخته شده و برای بدست آوردن نتایج اعمالی که در دنیا انجام داده است به این صحنه آورده شده است.

در این مورد برای نمونه تعدادی از دستة دوم را اینجا می آوریم:

الف -

«وَضَرَبْنَا لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ فَإِنَّ مِنَ بُعِيِ الْعِظَامِ وَهِيَ زَمِيمٌ فَلَنْ يُجِيبَهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ يَكْفُلُ خَلْقَ عَلِيمٌ»^۱.

یعنی برای ما مثلی. در حالی که خلقت خود را

همانطور که در مقاله قبل گفتیم: یکی از بحث های مهم «معاد» این است که آیا معاد روحانی است یا جسمانی است؟ یعنی: آیا در روز قیامت فقط ارواح انسانها محشور می شود و در آن صحنه برای دریافت پاداش و کیفر اعمال خود حضور می یابد؟ و یا اجسام آنها نیز پس از اینکه پوسیده و متلاشی گردیده است مجدداً تشکیل می شود و ارواح به آنها تعلق می یابد و همان انسان که در دنیا با روح و بدن خود انسان بود در همان صحنه نیز با همان بدن و همان روح که داشت با بعرضه محشر می گذارد و به تناسب اعمال خود به بهشت یا جهنم نائل می گردد؟.

چنانکه قبلاً گفته شد نظریه صحیح همان نظریه دوم است که با آیات قرآنی و احادیث معتبر اسلامی تطبیق می کند.

عالم عالی مقام اسلامی علامه حلی در کتاب «النهج الحق» می گوید:

«المسألة السادسة في المعاد هذا اصل عظيم من اركان الدين وجاحده كافر بالأجماع ومن لا يثبت المعاد البدني فانه كافر اجماعاً ولا خلاف بين اهل الملل في امكانه لانه تعالى قادر على كل مقدور ولا شك ان ايجاد الجسم بعد عدمه ممكن.

یعنی مسأله ششم (در رابطه با اصول اعتقادی اسلام) اصل معاد است و این اصل بزرگی از پایه های دین است و کسیکه آنرا انکار کند بر اساس اجماع و اتفاق که در میان مسلمانان بوقوع پیوسته است کافر است و کسیکه به معاد بدنی (معاد جسمانی) اعتقاد نداشته باشد محکوم به کفر است و میان تمام ملت ها این مطلب مورد اتفاق است که بازگشت بدن انسان پس از مرگ امکان پذیر است و از طرفی نیز تردیدی نیست که خداوند متعال بر هر چیزی که امکان پذیر است قدرت دارد^۱.

هنگامی که این موضوع را از دیدگاه آیات قرآن کریم مورد مطالعه قرار می دهیم می بینیم این آیات بطور کلی ۲ دسته است:

۱- آیاتی که وضع سیما و چهره های انسانها را در روز قیامت بازگویی کنند و همچنین آیاتی که از لذت های جسمانی بهشتیان و آلام جسمانی جهنمیان و از لباسهای فاخری که بهشتیان بر تن دارند و جامه های آتشینی که به جهنمیان پوشانده می شود سخن می گویند و بالاخره آیاتی که دلالت بر گواهی دادن اعضای بدن مانند دست و پا و چشم و گوش و زبان و حتی پوست بدن در باره اعمال انسان در روز قیامت دارند.

آنها باهنگانی می کنند و تاکنون دو نفر پیدا نشده است که از این جهت با هم مشابه باشند.

حتی برخی از انسانها که مرتکب جرمی گردیده اند پوست داخلی سرانگشتان دست خود را سوزانده اند تا خطوطی که پس از الشیام زخمهای انگشتهای آنها بوجود می آید با خطوط اول فرق داشته باشد ولی شگفت آنکه آن خطوط پس از التیام عیناً با خطوط اول مساوی بوده است و هیچ تفاوتی حاصل نشده است.^۹

ج

«وَقَالُوا أَتَدَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا إِنَّا لَسَمِعُونَ خَلْفًا جَدِيدًا فَلَن كُونُوا حِجَابًا أَوْ عِدْبًا أَوْ خَلْفًا مِثْلًا نَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَتَقْبِلُونَ مَنْ يَعْبُدَنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَتُنْبِضُونَ إِلَيْهِ رُؤُسَهُمْ وَيَقْبَلُونَ مِنِّي هُوَ قُلْنِ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا»^{۱۰}

در آن عصر که پیامبر بزرگ اسلام «ص» با نزول آیاتی از قرآن مجید با ناکید فراوان از معاد و زنده شدن مردم پس از مرگ سخن می گفت گروهی این موضوع را استبعاد می کردند و با تعجب می گفتند ما پس از اینکه استخوان پوسیده شدیم چگونه مجدداً زنده و برانگیخته می شویم؟

در پاسخ ای رسول ما بگو: «شما سنگ باشید یا آهن و با خلقتی سخت تر از سنگ و آهن باز بامر خداوند زنده می شوید پس اگر دوباره بپرسند که ما را زنده می کند؟ بگو همان خدائی که اول بار شما را آفرید، آنگاه آنها با این دلیل قاطع سر بریز افکنده خواهند پرسید: این وعده کی تحقق خواهد یافت؟ تو در پاسخ بگو این جریان شاید نزدیک باشد.

و بالأخره آیاتی از قرآن مجید که بطور روشن دلالت بر جسمانی بودن معاد دارد فراوان است و هم اکنون به ذکر همین چند آیه اکتفا گردید. پس از قرآن در مدارک و منابع دیگر اسلامی نیز شواهد بسیاری برای این موضوع وجود دارد.

مثلاً در نهج البلاغه در مواردی از جریان برانگیخته شدن انسانها از دل خاک سخن به میان آمده است که یکی از آنها را که در «خطبه غزاه» یعنی برجسته و نورانی و دانشمند بزرگوار سید رضی در آغاز آن می گوید: وهی من الخطب العجیبه این خطبه از خطبه های شگفت آور است وجود دارد در اینجا ذکر می کنیم:

«حَتَّى إِذَا تَصْرَمَّتِ الْأُمُورُ وَغَفِضَتِ الْأَعْزُورُ وَأَوْرَتْ

الشُّورُ أَخْرَجَهُمْ مِنْ ضُرَائِحِ الْغُشُورِ وَأَوْكَارِ الظُّبُورِ وَأَوْجِرَةَ الشَّعَاعِ وَقَطَّاعِ الْمَهَابِلِ بِرَاعَا إِلَى أُنْفَرِهِ فَطُغِعِنَ إِلَى مَقَادِيمِهِ»^{۱۱}

یعنی: هنگامی که رشته کارهای این جهان به پایان رسید و روزگار دنیا سپری شد و برانگیخته شدن مردم نزدیک گردید خداوند مردگان را از میان قبرها و آشیانه پرندگان و لانه درندگان و میدانهای جنگ بیرون می آورد و آنها در حالی که آماده انجام فرمان حق تعالی درباره خود هستند بسرعت بسوی بازگشتگاهی که خداوند برای آنها قرار داده است می روند.

و همچنین در مواردی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در مقام نصیحت با یکدنیا رفت و دلسوزی این نکته را خاطر نشان می کند که این بدنهای شما طاقت آتش سوزان جهنم را ندارد بنابراین بر خودتان رحم کنید و بوسیله ارتکاب گناهان خود را شایسته آن آتش نگردانید:

«وَاعْمَلُوا أَنَّهُ لَيْسَ لِهَذَا الْجِلْدِ الرَّقِيقِ حُسْرٌ عَلَى النَّارِ فَإِذَا رُخِّمُوا لَطُونَكُمْ فَلَا تَكُمُ قَدْ خَرَّتْ شَوْهًا فِي مَصَائِبِ الدُّنْيَا أَفَرَأَيْتُمْ عَمَّ أَخَذْتُمْ مِنَ النَّوْكَهِ نُصْبَةً وَالْعَفْرَةَ لُدْمِيهِ وَالرَّهْهَاءَ تُحْرِفُهُ فَكَيْفَ إِذَا كَانَ بَيْنَ عَابَتَيْنِ مِنْ نَارٍ...»

آیهها بگردد که کبیر الذی قد تهره القبر کتبت آتت إذا لخصت ألقوا النار يعطاهم الأعمق، ونسبت الجوامع على أكلت لشموم الشواهد فالله الله، مقترن الجباد، وأنتم سألونهم في الضحية قبل الشفع، وفي الشخية قبل الضيق، فأشعوا في فكائك رفايكم من قتل أن تلقى زعائنها، أشهروا غيوتكم، وأهضروا بظنونكم، وأستقبلوا أقدانكم، وأقبلوا أقوالكم، وأخذوا بين أجسادكم فحشروا بها غلبى أقبلكم ولا تحلوا بها عنها، فقد فإن الله سبحانه: «إِنْ تَصْرَوْا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَتَنْتَبِتْ أَفْدَانِكُمْ» وَقَالَ تَعَالَى: «مَنْ ذَا الَّذِي يَفْرِضُ اللَّهُ فَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»^{۱۲}

یعنی: بدانید که برای این پوست نازک بدن شما صبر و شکیبائی بر آتش نیست بنابراین به خودتان رحم کنید و شما خودتان را در دنیا بوسیله مصیبتها و سختیها آزموده اید.

آیا دیده اید که یکی از شما چگونه از خاری که بدن او فرو می رود چگونه ناله و اظهار درد می کند؟ و از یک لغزیدن کوچکی که چند قطره خون از بدن او

می آید و از رنگ گرم بیابان که بدن او را می سوزاند چگونه بیتاب می شود؟ پس چه حائش خواهد داشت آن وقتی که میان دو طبقه از آتش جهنم باشد؟...

ای پسر سالخورده که ناتوانی و ضعف دوران پیری او را فرا گرفته است! چگونه خواهی بود هنگامی که طوقهای آتشین به استخوانهای گردنت فرو نشسته و غل و زنجیرهای آتشین بر بازوها فرو رفته حتی گوشتهای آنرا خورده باشد.

ای بلند گان خدا، از خدا بترسید از خدا بترسید در حال تندرستی پیش از آنکه مریض شوید در وسعت و رفاه پیش از آنکه در سختی و تنگی قرار بگیرید در آزاد کردن خودتان از آتش دوزخ پیش از آنکه در گرو آن قرار بگیرید بکوشید چشمهای خود را بیدار نگاه بدارید و با گرفتن روزه بدنهای خود را به زحمت بیاندازید و گامهای خود را در راه نیکی و صلاح استوار بدارید و اموال خود را در راه خدا ایفا کنید و بدنهای خود را فدای جانهای خود نمائید (در راه تهلپ نفس و تزکیه روح به بدنهای خود رنج و زحمت بدهید) و در این کار هرگز: بخل نوزید که خداوند متعال فرموده است:

«إِنْ تَصْرَوْا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَتَنْتَبِتْ أَفْدَانِكُمْ»^{۱۳} یعنی اگر خدا را یاری کنید خدا نیز شما را یاری خواهد کرد و گامهای شما را استوار خواهد کرد و نیز فرموده است.

«مَنْ ذَا الَّذِي يَفْرِضُ اللَّهُ فَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»^{۱۴}

کیست که بخداوند وام بدهد، وام نیکویی که خداوند چندین برابر آن باو عنایت می کند و برای او پاداش بزرگی مقرر داشته است.

و بالأخره در این کتاب بزرگ نیز از این قبیل نمونه ها بسیار است و اکنون باین اندازه اکتفا می گردد. تا با توفیق خداوند متعال این بحث تکمیل شود.

ادامه دارد

- ۱- کفایه الموحدين ج ۳ ص ۷۴.
- ۲- سوره پس آیه ۷۷ و ۷۸.
- ۳- سوره قیامت آیه ۱۳.
- ۴- تفسیر طحاوی ج ۲۴ ص ۳۰۰.
- ۵- سوره اسراء آیه ۱۹-۵۱.
- ۶- نهج البلاغه خطبه ۸۲.
- ۷- نهج البلاغه خطبه ۱۸۲.
- ۸- سوره محمد (ص) آیه ۷.
- ۹- سوره حدید آیه ۱۱.

